روزنامه های ملی، نفت شمال و غائله آذربایجان

جلالی نائینی، محمد رضا

در گردهمایی«بررسی مطبوعات در جریان ملی کردن‏ نفت ایران»که به اتبکار«موسسه‏ی تاریخ معاصر ایران»در روز یکشنبه 20 آذر 1384 به شرح گزارش آقای مجید مهران‏ در همین شماره،با حضور جمعی از چهره‏های درخشان‏ فرهنگی و اجتماعی برگزار شد،استاد دکتر محمد رضا جلالی‏ نائینی از موسسان«جبهه‏ی ملی ایران»بخشی از خاطرات‏ ارزنده‏ی خود را بیان کردند.استاد جلالی نائینی،مدیر روزنامه‏ی کشور،عضو ارشد تحریریه‏ی روزنامه‏ی باختر امروز،رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری و سناتور اسبق و مؤلف و مصحح ده‏ها کتاب ارزشمند از تعریف مستغنی‏اند.اما چون در آن مجلس فرصت کافی برای بیان خاطرات ایشان‏ فراهم نبود و احتمال می‏رود انعکاس سخنان ایشان در نشریات،وافی به مقصود نباشد،از ایشان خواهش کردم که‏ خاطرات خود را که در آن گردهمایی به اختصار به طور شفاهی‏ بیان کردند،به تفصیل برای خوانندگان ما مکتوب فرمایند.

امیدواریم گزارش این بخش مهم از تاریخ سیاسی‏ معاصر مقبول خوانندگان فرهنگمند واقع شود.

پس از سوم شهریور 1320 که قوای نظامی دولت‏های شوروی و انگلستان برخلاف کلیه‏ی مقررات بین‏المللی به ایران تجاوز کردند، ماموران و مقامات شوروی و انگلستان به ایران آمد و شد می‏کردند و دولت ایران غالبا از ورود و خروج آنان بی‏اطلاع بود.روز 23 شهریور 1323،کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه‏ی اتحاد جماهیر شوروی به تهران وارد شد و خبرش در پاره‏یی از روزنامه‏ها انتشار یافت،ولی معلوم نبود که برای چه منظوری آمده است.

کافتارادزه روز 13 مهرماه در روزنامه‏ی اطلاعات با شادروان‏ عباس مسعودی مدیر آن روزنامه مصاحبه‏یی کرد و در آن مصاحبه‏ روشن شد که برای گرفتن امتیاز نفت شمال آمده است.او حضور خود را چنین اعلام کرد که:«من در رأس یک هیأت دولتی به منظور مطالعه‏ی وضع شرکت نفت کویر خوریان و تحصیل اطلاعات در مورد منابع طبیعی نفت شمال ایران،وارد ایران شده‏ام...من نتایج عملیات‏ خود را به اطلاع دولت متبوع خود رسانیده‏ام و اینک به هیأتی که من‏ در رأس آن قرار دارم اجازه داده شده است که پیشنهادی به دولت ایران‏ تقدیم دارد که کشف و استخراج نفت در مناطق شمالی ایران به دولت‏ شوروی واگذار شود...»و ضمنا اشعار داشت که:«من دوبار به حضور اعلی حضرت همایون شاهنشاهی بار یافتم و چندین بار در این‏ خصوص با آقای نخست وزیر[محمد ساعد مراغه‏ای‏]به مذاکره‏ پرداختم و امیدوارم که چنین عمل مهم و مفیدی برای دو کشور با موفقیت انجام شود».

ناگفته نماند که پیش از ورود کافتارادزه،نمایندگان شرکت نفت‏ انگلیس شل و پس از آن نمایندگان دو شرکت نفت امریکایی استاندارد واکیوم و شرکت سیکلر نیز برای اخذ امتیاز نفت در مناطقی خارج از حوزه‏ی شرکت نفت ایران و انگلیس(سابق)به ایران آمده و مذاکراتی‏ کرده بودند،و آمدن آنان در مجلس شورای ملی نیز منعکس شده بود.

در آن تاریخ افکار عمومی مردم ایران با دادن امتیاز به خارجیان‏ سخت مخالفت بود،زیرا قوای نظامی شوروی و انگلستان بخش‏های‏ وسیعی از خاک ایران را در تصرف خود داشتند و عملا دولت ایران در مناطق اشغالی هیچ‏گونه سلطه و قدرتی نداشت.حزب توده‏ی ایران تا پیش از ورود کافتارادزه با اعطای امتیاز به بیگانگان سخت مخالف بود و حتا دکتر رادمنش(عضو فراکسیون حزب توده در مجلس شورای‏ ملی)طی نطقی در مجلس،مخالفت حزب توده را در مورد دادن امتیاز نفت به خارجیان تاکید کرد؛ولی پس از ورود کافتارادزه به تهران حزب‏ توده از عقیده‏ی خود عدول کرد و خواهان اعطای امتیاز نفت شمال‏ ایران به شوروی شد و روزنامه‏های چپ‏گرا به تبلیغ علنی پرداختند و حزب توده نیز در تظاهرات مورخ پنجم دی ماه 1323-تظاهراتی که‏ زیر چتر سربازان شوروی در خیابان‏های تهران صورت گرفت- رسما خواهان اعطای نفت شمال به شوروی شد.

در این راستا،سفارت شوروی دسته دسته، روزنامه‏نگاران ایران را به سفارت دعوت می‏نمود و آنان را با موافقت با عطای امتیاز نفت شمال‏ ایران به شوروی تشویق و ترغیب می‏کرد و حتا وعده‏ی دادن کاغذ به روزنامه‏های دوست‏ می‏داد.

یک روز بعد از ظهر هم از حسین فاطمی‏ مدیر روزنامه‏ی باختر،استاد نصر الله فلسفی‏ سردبیر روزنامه‏ی امید ایران،دکتر ذبیح الله‏ صفا مدیر شباهنگ،محمد مسعود مدیر روزنامه‏ی ستاره،حسین مصطفوی مدیر روزنامه‏ی سرگذشت و این جانب مدیر روزنامه‏ی کشور دعوت شده بود.فاطمی،احمد ملکی و من با هم به سفارت شوروی رفتیم و آن‏جا که وارد شدیم،دیدم که استاد فلسفی،دکتر صفا، محمد مسعود و حسین مصطفوی قبلا آمده‏اند.منظور از دعوت ما روزنامه‏نگاران به سفارت شوروی جلب‏نظر مدیران جراید مذکور در موافقت با اعطای امتیاز نفت به شوروی بود.

پس از حضور مدعوّین،کمیساروف مستشار سفارت شوروی که به‏ زبان فارسی خوب آشنا بود،به مدعوین با تبسم خیر مقدم گفت و اظهار داشت:از این که فرصتی پیش آمده که با آقایان نویسندگان و روزنامه‏نگاران ایرانی دیدار کنم،بسی خوشوقتم.آن‏گاه روی سخن را به آمدن کافتارادزه به تهران سوق داد و گفت:آقایان قطعا می‏دانند که‏ رفیق کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه‏ی شوروی در راس یک‏ هیأت بلند پایه برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران به تهران آمده‏اند. چون توافق با درخواست به سود ایران است و موجب شکوفایی اقتصاد دو کشور خواهد شد،مناسب است که مدیران جراید در صفحات‏ روزنامه‏های خود افکار عمومی خلق ایران را از مزایای قبول پیشنهاد شوروی روشن نمایند.ما اکنون زیر بار سنگین جنگ هستیم و نیاز وافر به نفت شمال ایران داریم و دولت ایران با ما متفق و همسایه است‏ و باید برای پیروزی متفقین کمک کند.پیشنهاد شوروی برای کشف‏ و استخراج نفت در شمال ایران در جهت پیشرفت و تقویت بنیه‏ی‏ اقتصاد ایران و شوروی‏ست و هزینه‏ی کشف و استخراج نیز بر عهده‏ی دولت شوروی خواهد بود و ایران از این حیث هزینه‏یی فعلا پرداخت نخواهد کرد و ما از دوستان ایرانی انتظار داریم در این امر اذهان عامه را روشن کنند و مزایا و منافع این طرح عظیم اقتصادی را به اطلاع همگان برسانند.ضمنا گفت:ما اطلاع پیدا کرده‏ایم که‏ جراید در مضیقه‏ی تهیه‏ی کاغذ هستند و از این رو د نظر داریم برای‏ تسهیل کار روزنامه‏های دوست،کاغذ در اختیارشان بگذاریم و این کار را خواهیم کرد.

آقای حسین فاطمی مدیر باختر در پاسخ اظهارات کمیساروف‏ گفت:اکنون بخش‏های وسیعی از خاک مقدس ایران در تصرف‏ ارتش‏های شوروی و انگلستان است و دولت ایران در نواحی اشغالی و متصرفی به کلی قادر به اعمال حاکمیت ملی و سلطه‏ی قانونی خود نیست.در چنین اوضاع و احوال و شرایطی در بحبوحه‏ی جنگ‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود)جهانی،گرفتن امتیاز نفت از دولت ایران در افکار عمومی کشورهای‏ آزاد جهان خوشایند نخواهد بود و خواهند گفت:شوروی،دولت و ملت‏ ایران را زیر فشار شدید قرار داده و امتیاز کشف و استخراج نفت گرفته‏ است.به نظر من رسیدگی به پیشنهاد شوروی تا خاتمه‏ی جنگ‏ جهانی و خروج کلیه‏ی قوای شوروی و انگلستان و متفقین‏اش از خاک‏ ایران و بازگشت سلطه و اقتدار قانونی دولت ایران در سراسر کشور و آزادی ایرانیانی که در اردوگاه متفقین به سر می‏برند،موکول و متوقف‏ گردد و چون جنگ پایان یافت و پهنه‏ی خاک ایران از وجود سربازان‏ خارجی پاک گشت،دولت ایران می‏تواند در شرایط متساوی با نمایندگان شوروی در کنار هم بنشینند و پیشنهاد شوروی را مطرح و بررسی کند و تصمیم بگیرند.

آن‏گاه،استاد دکتر ذبیح اللّه صفا گفت:نظر آقای فاطمی بسیار نظر معقول و علمی‏ست و پیشنهاد شوروی پس از خاتمه‏ی جنگ به‏ جریان می‏افتد و بررسی می‏شود و در آن وقت دولت ایران مجال و آزادی خواهد داشت که با نمایندگان شوروی وارد مذاکره شود و به‏ توافقی دست یابند.

استاد نصر اللّه فلسفی و سایر روزنامه‏نگاران حاضر در جلسه با نظر فاطمی همراه بودند،ولی کمیسارف سخت آشفته و برافروخته شد و گفت:راکد ماندن پیشنهاد شوروی در حکم ردّ آن است و ما نمی‏توانیم‏ به چنین وعده‏های سر خرمن دل خوش کنیم.چنین کاری تنش‏ شدیدی به دنبال دارد و در روابط همه جانبه‏ی ایران و شوروی اثر نامطلوبی به جای خواهد گذاشت و بر سخن خود افزود که:ما نیاز به‏ نفت شمال ایران داریم،می‏خواهیم و می‏گیریم.

آن‏گاه فاطمی پاسخ داد که همین لحن آمرانه‏ی شما ایجاب‏ می‏کند که پیشنهاد شوروی اکنون به جریان نیفتد تا جنگ پایان پذیرد و ما صاحب خانه و مملکت خودمان بشویم و آن وقت آزادانه صلاح‏ کار خود را نیک می‏دانیم که چه باید بکینم.